

## پیدا و پنهان روابط تاریخی ایران و مالزی (از ابتدا تا انقلاب ۱۳۵۷ش.)

محمد چگینی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله حاضر، روابط تاریخی ایران و مالزی را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و تجاری بررسی می‌نماید. برای تحکیم روابط در زمان حاضر و داشتن افقی روشن از آینده، شناخت گذشته ضروری به نظر می‌رسد. با وجود پیشینه تاریخی طولانی، روابط ایران و مالزی هنوز در حوزه پژوهشی ناشناخته مانده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد مناسبات تاریخی، بیانگر نقاط قوت و اشتراکاتی است که ظرفیت زیادی برای تقویت روابط فراهم می‌نماید. در باره روابط دو کشور (به‌ویژه در دوره معاصر) تاکنون تحقیق جامعی انجام نگرفته و منابع اندکی در این زمینه وجود دارد. این مقاله به دنبال واکاوی روابط ایران و مالزی در دوره پهلوی دوم است اما ضرورت دارد پیشینه مناسبات فرهنگی و تجاری که پیش از روابط سیاسی با دنیای مالائی شکل گرفته بود نیز مورد توجه قرار گیرد. با توجه به جایگاه مالزی در سیاست خارجی ایران، حضور گسترده جامعه ایرانی در مالزی در دو دهه اخیر و همکاری‌های نزدیک سیاسی در موضوعات مختلف، ضرورت توجه به مناسبات تاریخی را بیشتر نمایان می‌کند.

### واژگان کلیدی:

ایران، مالزی، روابط تاریخی، مالایی، انقلاب اسلامی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

<sup>۱</sup> کارشناس وزارت امور خارجه، تهران - ایران Mohammad.chegini58@gmail.com

## مقدمه

ایران و مالزی به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و در جهان اسلام شناخته می‌شوند. مناسبات سیاسی و دیپلماتیک دو کشور بعد از استقلال مالزی، در اوج فعالیت‌های جنگ سرد و از اواسط دهه ۱۳۴۰ ش. / ۱۹۶۰ م. برقرار گردید. برخلاف روابط سیاسی که بر پایه قواعد و مقررات خاصی شکل می‌گیرد، روابط فرهنگی و یا تجاری در بستر و روندی تاریخی نضج یافته و استمرار می‌یابد. پیوندهای دو ملت ایران و مالزی ریشه در گذشته‌های دور دارد، بنابراین مؤلفه‌های مختلف مؤثر بر مناسبات دو کشور باید مورد توجه قرار گرفته و مستندسازی شود. در متون، اظهار نظر قطعی در باره منشأ مناسبات اولیه وجود ندارد اما برخی از محققان با استناد به بقایای آثار و شواهد تاریخی، پیشینه آن را به دوره ساسانیان می‌رسانند. آنچه به تواتر در معدود منابع موجود ذکر شده، این است که ایرانیان نقش پررنگی در تجارت و دریانوردی دوره باستان و گسترش اسلام در جنوب شرق آسیا داشته‌اند. وجود تعداد زیادی از کلمات با ریشه فارسی در زبان مالایی و هم‌چنین تأثیر عمیق عرفا، شاعران و اندیشمندان ایرانی بر بزرگانی چون حمزه فنسوری متفکر بزرگ دنیای مالایی از دیگر شواهد این مدعا است (نیرنوری، ۱۳۴۵: ۵۱۴؛ سلجوق، ۱۳۵۴: ۱۷؛ آزاد، ۱۳۸۲: ۲۶).

روابط سیاسی دو کشور چندی بعد از اعلام استقلال مالزی شکل گرفت و به تدریج با معرفی سفیر آکرديته از سوی ایران و افتتاح سفارت مالزی در تهران، وارد دوره جدیدی شد. در مدت کوتاهی، روابط به مرحله‌ای رسید که سران عالی‌رتبه دو کشور چندین بار با یک‌دیگر ملاقات نمودند. هم‌جواری ایران و مالزی با کشورهای کمونیست، تمایل سران به قرار گرفتن در بلوک غرب و تلاش رهبران آن‌ها برای تبدیل شدن به بازیگران مؤثر در منطقه خود و جهان اسلام، در هم‌سویی دو کشور نقش زیادی داشت.

در حوزه روابط ایران و مالزی، کمبود منابع وجود دارد و تولید ادبیات در این حوزه صورت نگرفته است و تاکنون مقاله یا کتابی که به‌صورت اختصاصی روابط دو کشور در دوره معاصر را بررسی کرده باشد، تألیف نشده است. در کتاب *سبز مالزی* چاپ وزارت امور خارجه ایران بخش کوتاهی به روابط دو کشور اختصاص دارد که تمرکز آن بر دوره جمهوری اسلامی است. مقاله‌ای نیز تحت عنوان: "روابط سیاسی و اقتصادی مالزی و ایران در دوره معاصر"، توسط اسمادی ادریس و رمالی یوسف از استادان دانشگاه صباح مالزی در سال ۲۰۱۵ م. به زبان انگلیسی تألیف و در مجله *روابط بین‌الملل و دیپلماسی* منتشر شده است که بیشتر به روابط بعد از انقلاب اسلامی، به‌ویژه ۲۵ سال اخیر اختصاص دارد.

شناخت گذشته کمک زیادی به سیاست‌گذاران و کارگزاران حوزه دیپلماسی می‌کند تا بتوانند شناخت و تحلیل واقعی‌تر و علمی‌تری از روابط خارجی بین کشورها داشته باشند. تاریخ دیپلماسی می‌تواند یک ظرفیت بالقوه برای تقویت مناسبات ایجاد نماید. پیشینه روابط ایران و مالزی هنوز به درستی مورد شناسایی و مذاقه قرار نگرفته و پیدا و پنهان آن نیازمند بررسی اسناد و مدارک در آرشیوهای دو کشور است. در مطلب حاضر سعی شده با تکیه بر اسناد در دسترس و منابع، روند تحول و تطور پیوندهای دو ملت بررسی گردد. روابط سیاسی چگونه شکل گرفت و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن کدامند؟ چه اشتراکاتی در حوزه‌های فرهنگی و دینی وجود دارد که می‌تواند به تداوم و پایداری مراودات کمک نماید؟ با توجه به سئوالات ذکر شده، هدف مقاله، مستندسازی و بررسی مناسبات دو کشور در ابعاد مختلف از زمان برقراری روابط سیاسی و پیشینه مناسبات تجاری و فرهنگی دو کشور ایران و مالزی است.

### تشکیل فدراسیون مالزی

فدراسیون مالزی از دو بخش مجزا یعنی شبه‌جزیره غربی به نام مالایا که سرزمین اصلی است و یازده ایالت را دربرمی‌گیرد و بخش شرقی در شبه‌جزیره بورنئو (شامل صباح و ساراواک) تشکیل شده است. هر دو قسمت به مدت ۱۹۷ سال بخشی از مستعمرات بریتانیا بودند و یک فرمانروای انگلیسی در رأس آن‌ها قرار داشت. در قرن بیستم میلادی با شروع جنبش‌های آزادیخواه در سراسر جهان، ملی‌گرایان مالایی نیز تحت تأثیر مدارس اسلامی خاورمیانه (Cribb, 1999: 9) و جنگ جهانی دوم، به‌ویژه در حین اشغال بورنئو و بخش‌های وسیعی از شبه‌جزیره، مبارزه برای استقلال از سیطره بریتانیا را آغاز کردند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۹-۳۰۲۴-۳۳-۱۳۴۲ ش.).

در راستای تلاش برای استقلال، ایالات شبه‌جزیره غربی در سال ۱۹۴۶م. ایده تشکیل وحدت مالایا را پذیرفتند و در ژانویه سال ۱۹۴۸ با موافقت سلاطین ایالت‌ها، «اتحادیه مالایا» اعلام موجودیت کرد. بعد از سال‌ها فعالیت و مبارزه، سران و اعضای «جنبش ملی مالایا»، تونکو عبدالرحمن پوترا الحاج<sup>۱</sup> رهبر جنبش استقلال طلبانه را جهت مذاکره با وزیر مستعمرات برای استقلال روانه لندن نمودند. (اطلاعات: ۱۳۳۶/۰۶/۰۹؛ جنیدی، ۱۳۷۱: ۱۱۳). او موفق شد طی قراردادی موافقت بریتانیا را کسب و در ۳۱ اوت ۱۹۵۷ استقلال «فدراسیون مالایا» را به‌عنوان نود و چهارمین کشور جهان اعلام نماید.

<sup>۱</sup>. Tunku Abdul Rahman Putra Al-Haj

سه سال بعد از این اتفاق و همزمان با سیاست بریتانیا برای خروج از آسیا به ویژه منطقه جنوب شرق و خلیج فارس، تونکو عبدالرحمن بحث الحاق سنگاپور و دو ایالت صباح و ساراواک در بورنئو را مطرح ساخت که با استقبال و حمایت دولت انگلیس همراه شد. به این ترتیب، سه ایالت مزبور در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۳/۲۶ شهریور ۱۳۴۲ به فدراسیون مالایا ملحق شدند و تحت نام «فدراسیون مالزی» اعلام موجودیت نمودند؛ هر چند سنگاپور دو سال بعد، از فدراسیون جدا و مستقل شد (Mat Yazid, 2013: 9). از لحاظ ساختاری، نظام سیاسی جدید پارلمانی بود و شاه در رأس آن قرار گرفت که هر پنج سال یکی از سلاطین ایالات برای این مقام انتخاب می‌گردد. تونکو عبدالرحمن در مقام نخست‌وزیری ابقاء شد و امور اجرایی را برعهده گرفت تا زمینه تشکیل پارلمان را فراهم نماید (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۱-۳۰۲۴-۳۳-۱۳۴۲ش؛ اطلاعات: ۱۳۴۲/۰۶/۲۵).

مالزی از سوی اکثریت اعضای سازمان ملل از جمله ایران به رسمیت شناخته شد. محمود فروغی سفیر وقت ایران در واشنگتن، طی تلگراف رمزی به وزارت امور خارجه ضمن اعلام خبر رسمیت فدراسیون مالزی، از دولت درخواست نمود که مواضع خود را اعلام نماید و اظهار داشت: «تصور نمی‌رود که شناسایی آن از طرف دولت شاهنشاهی اشکالی داشته باشد» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۵۳-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ش).

در مقابل، مهدی وکیل رئیس نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل نیز طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه، شناسایی مالزی را منطقی و مطابق قوانین بین‌المللی دانست. به گفته او الحاق یک یا چند قسمت خودمختار به سرزمین اصلی مغایرتی با اصول بین‌المللی ندارد و چون کشور جدیدی ایجاد نشده، از جنبه حقوقی ضرورتی برای شناسایی مجدد نیست (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۰-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ش). دبیرکل سازمان ملل نیز بعد از گفتگو با مشاوران حقوقی در اجلاس عمومی، نام «فدراسیون مالایا» را به «فدراسیون مالزی» تغییر داد. در بخشنامه مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۳ سازمان ملل آمده است: «طبق اظهارات رسمی دولت مالزی، فدراسیونی که در سپتامبر جاری تشکیل و اعلام موجودیت نمود، دولت جدیدی نبوده، بلکه همان دولت مالایا است که اراضی جدیدی به آن ملحق شده و کرسی مالایا را در سازمان ملل دارا می‌باشد» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۳-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ش).

### چالش‌های واحد سیاسی نوپا

دولت جدید مالزی از همان ابتدا با چالش‌های زیاد و پرمخاطره‌ای روبرو شد. یکی از مشکلات اولیه، نارضایتی بخشی از گروه‌های ملی‌گرا از توافقات تونکو عبدالرحمن با بریتانیا بود (Faisal, 2008: 34). به تدریج برخی از اقدامات او نظیر حمایت از ویتنام جنوبی و ابراز تمایل برای شناسایی اسرائیل، مواضع او را در سیاست خارجی روشن‌تر نمود (Faisal, 2008: 84). همجواری با کشورهای کمونیست از تشابهات مالزی با ایران در این برهه زمانی بود؛ امری که موجب گردید در بلوک‌بندی‌های دوره جنگ سرد، این کشور در زمره متحدان غرب در جنوب شرق آسیا قرار گیرد (Mat Yazid, 2013: 4).

علاوه بر تهدید مزبور، یکی دیگر از چالش‌های مهم که به سرعت به یک بحران در سیاست خارجی و داخلی مالزی تبدیل شد، موضوع پیوستن بورنئو به سرزمین اصلی بود. اندونزی و فیلیپین از همان ابتدا با این الحاق مخالف بودند و با مالزی قطع ارتباط کردند. دولت اندونزی به فشار دیپلماتیک بسنده نکرد و اقدام به حملات نظامی نمود (اطلاعات: ۱۳۴۲/۰۶/۲۶؛ اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۰.۱۲-۳-۳۳-۱۳۴۲ ش؛ Mat Yazid, 2013: 4). با توجه به اهمیت منطقه جنوب شرق آسیا برای غرب به علت همسایگی با کشورهای کمونیستی و بازار گسترده تجاری، ایالات متحده نیز به این اختلافات حساسیت نشان داد و به رابرت کندی دادستان کل آمریکا مأموریت داد تا به لندن سفر نموده و از نزدیک با مقامات بریتانیا در باره این تحولات رایزنی نماید (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۷۶-۳.۲۴-۳۳-۱۳۴۲ ش.). آمریکا و بریتانیا در این بحران اختلاف نظر داشتند؛ واشنگتن احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی را از موانع توسعه کمونیسم در جنوب شرق آسیا می‌دانست اما بریتانیا بر اهمیت مالزی تأکید داشت و اقدامات سوکارنو را تهاجم و کشورگشایی تلقی می‌کرد. اتفاقات بعدی یعنی سفر سوکارنو به مسکو و جلب نظر چین برای فشار بر مالزی، مؤید صحت مواضع بریتانیا بود (Mat Yazid, 2013: 2-5؛ اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۰-۳.۲۴-۳۳-۱۳۴۲ ش.).

### کنفرانس کشورهای آسیایی و آفریقایی

در ادامه این بحران، اندونزی علاوه بر تهدیدات نظامی به فشارهای دیپلماتیک بر مالزی در محافلی مانند جنبش عدم تعهد و اتحاد آفریقا- آسیا ادامه داد. اولین مسئله، عدم تمایل برای دعوت مالزی به دومین اجلاس کشورهای آسیایی و آفریقایی در سال ۱۳۴۳ ش. / ۱۹۶۴ م. در جاکارتا بود. دولت اندونزی سعی داشت با تبلیغات، مالزی را نماینده غرب به‌ویژه بریتانیا و استعمار نو در جنوب شرق

آسیا معرفی نماید. سوبانديروس<sup>۱</sup> وزير امور خارجه دولت اندونزی در یکی از سخنرانی‌های خود اظهار داشت که سیاست دولت متبوعش «روبارویی با همه مظاهر استعمار و امپریالیسم است. اما متأسفانه مالزی با اقدامات خود نشان داده است که نماینده استعمار و امپریالیسم است و اندونزی به اجبار سیاست تقابل در پیش گرفته است» (Wahyu Wicaksana, 2013: 58).

ایران به عنوان عضو کمیته دائمی به همراه چند کشور دیگر مأمور تهیه و تسهیل مقدمات تشکیل این اجلاس و با این سیاست اندونزی مخالف بود و نقش مؤثری در حمایت از مالزی به عمل آورد. مهدی وکیل نماینده دائم ایران، در پاسخ به درخواست حمایت نماینده مالزی اظهار داشت با توجه به مناسبات نزدیک و دوستی دو دولت «یقیناً مقامات مربوطه شاهنشاهی تقاضای دولت مزبور را مورد توجه مخصوص قرار خواهند داد» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۴۲-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲.۴۳ ش.۰). وزارت امور خارجه ایران نیز اعلام نمود که «اختلاف بین مالزی و اندونزی به هیچ وجه با ارسال دعوت‌نامه به کشور مزبور که یک کشور آسیایی است، مغایرت ندارد و ملاحظات سیاسی موجود بین آن کشور با اندونزی هم دلیل کافی برای خودداری از ارسال دعوت‌نامه به کشور مالزی نیست. بدیهی است دولت شاهنشاهی همواره از این سیاست پیروی نموده و تا آنجا که مقدور باشد کوشش خواهد نمود تا دعوت‌نامه به نام کشور مالزی برای شرکت در کنفرانس دوم کشورهای آسیایی و افریقای ارسال گردد» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۴۱-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲.۴۳ ش.۰). بر اساس گزارش محرمانه شماره ۱۰ سفارت ایران در بانکوک، سفیر مالزی نیز در ملاقات با منوچهر مرزبان گفت «اندونزی تلاش می‌کند کل جزایر مالایا را تصرف نماید» و کوالالمپور انتظار حمایت معنوی و اخلاقی کشور مسلمان ایران در برابر سیاست‌های خصمانه اندونزی را دارد. دولت هند از اعضای تأثیرگذار جنبش عدم تعهد و اتحاد آسیا-آفریقا که رقیب اندونزی نیز بود، از دیگر حامیان مالزی در اجلاس بود و جاکارتا را متهم می‌نمود که سعی دارد به عنوان میزبان با کمک چین و پاکستان «کمپین درهم شکستن مالزی» را ایجاد نماید (Wahyu Wicaksana, 2013: 67).

### وساطت ایران در برقراری مجدد رابطه مالزی با پاکستان

یکی از اقدامات و نقاط عطف در روابط دو کشور، مساعدت و میانجی‌گری ایران برای فیصله دادن به اختلافات مالزی و پاکستان در سال ۱۳۴۵ ش./ ۱۹۶۴ م. بود. همانند سیاست‌های غربگرایانه و گرایش به بلوک غرب، تونکو عبدالرحمن در موضوعات مربوط به جهان اسلام نیز

<sup>۱</sup>. Subandrio

مواضع متفاوتی در پیش گرفت. با آنکه اسلام در سیاست خارجی مالزی تأثیر زیادی داشت و رهبران این کشور نوپا تلاش داشتند تا همواره در مسائل جهان اسلام با دیگر کشورها تشریک مساعی داشته باشند، اما بحث ابراز تمایل برای به رسمیت شناختن اسرائیل و حمایت آشکار از هند در جنگ با پاکستان بر سر کشمیر، به اعتبار سیاست خارجی تونکو عبدالرحمن که همزمان مسئولیت وزارت خارجه را هم برعهده داشت، صدمه وارد کرد (Faisal, 2008: 57). به نظر می‌رسد آنچه مالزی را به سمت حمایت از هند در قضایای کشمیر سوق داد، به تلاش سوکارنو برای ایجاد ائتلاف علیه مالزی با کمک پاکستان و چین در جنبش عدم تعهد و اتحاد آسیا- آفریقا باز می‌گردد (Wahyu Wicaksana, 2013: 67).

دولت مالزی در جنگ سال ۱۳۴۴ ش. / ۱۹۶۵ م. بین هند و پاکستان ملاحظات اسلامی را کنار گذاشت و نماینده آن کشور در سازمان ملل به وضوح از دولت هند حمایت دیپلماتیک نمود. این اقدام در تضاد با سیاست‌های دینی آن کشور بود و انتقادات محافل مذهبی و مطبوعاتی مالایی را نیز در پی داشت. اما در مقابل، تونکو عبدالرحمن در برابر منتقدان کوتاه نیامد و از جایگاه مالزی و تصمیمات دولت خود در این مسئله دفاع نمود. از نظر او «منافع ملی و روابط بین‌المللی مالزی باید جایگزین همه ملاحظات گردد» (Nair, 1997: 57).

دولت پاکستان واکنش شدیدی به اظهارات مقامات مالزی در حمایت از هند نشان داد و در شهریور ۱۳۴۴ / سپتامبر ۱۹۶۵ قطع روابط دو کشور را اعلام کرد و سفارت آن کشور در کوالالامپور تعطیل شد. ذوالفقار علی بوتو وزیر امور خارجه پاکستان، دولت مالزی را به بی‌اخلاقی و نقض همبستگی اتحادیه آسیا- آفریقا متهم نمود؛ امری که با پاسخ مالزی روبرو شد و در یادداشتی ضمن رد ادعای حمایت از هند، پاکستان را متهم کرد که با کمک چین در بحران بورنئو از اندونزی حمایت کرده است (The Michigan Daily, 1965). در واقع این موضوع بهانه‌ای شد تا دو کشور گلاویه‌ها و اعتراضاتی را که در مسئله کشمیر و بورنئو در دل داشتند، علنی و رسانه‌ای نمایند و مشکل دیگری به سیاست خارجی دولت جوان مالزی اضافه شد.

دولت ایران به عنوان یکی از کشورهای مؤثر در جهان اسلام تصمیم گرفت که در این موضوع مداخله نماید. افزایش درآمدهای نفتی به ایران این امکان را داد تا در عرصه بین‌المللی، منطقه‌ای و جهان اسلام نقش آفرینی کرده و به یک کنشگر فعال تبدیل شود. پاکستان یکی از شرکای اصلی ایران در پیمان‌های نظامی- امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای و مالزی نیز همسو با سیاست‌های غربگرایانه و ضدکمونیستی پهلوی بود. چند ماه پس از قطع روابط، ایران آمادگی خود را برای میانجی‌گری اعلام نمود. به دستور شاه، وزارت امور خارجه به موضوع ورود کرد.

در تلگراف رمز به شماره ۱۵۴۶، عباس آرام وزیر امور خارجه به منوچهر مرزبان سفیر ایران در تایلند اطلاع داد که محمدرضا امیر تیمور مدیرکل سیاسی به عنوان نماینده جهت رایزنی حل اختلافات معرفی شده و به زودی روانه کوالالمپور خواهد شد؛ اقدامی که با استقبال سران دو کشور همراه شد.

آرام در تیر ماه ۱۳۴۵ طی مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ به سؤال خبرنگاران در این رابطه و نقش ایران به عنوان میانجی گفت: از ابتدا تصمیم گرفتیم برای حل این بحران به این موضوع ورود نماییم و با مقامات دو کشور ملاقات‌ها و رایزنی‌هایی انجام گرفت. به گفته وزیر خارجه وقت ایران، دوستی و تحکیم روابط ممالک اسلامی از موضوعات مورد علاقه ایران بود و ایران برای رفاه و آسایش ملل اسلامی آمادگی هر نوع تشریک مساعی را داشت. او افزود: «ایران مشوق برقراری مجدد روابط بین پاکستان، کشور برادر و همسایه و مالزی، کشور دوست و مسلمان است». به گفته آرام، طبق مطالعات و مذاکرات صورت گرفته، در آینده نزدیک این مشکل رفع و تلاش‌ها به ثمر خواهد نشست (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۰۳-۴۸-۸-۱۳۳۵.۵۰ ش).

تونکو عبدالرحمن نیز در این رابطه گفت: با مساعی دولت و شاه ایران، روابط مالزی و پاکستان که برای مدتی قطع شده بود، مجدداً برقرار خواهد شد و به روال عادی بازمی‌گردد. منوچهر مرزبان سفیر ایران در بانکوک، چندین بار با مقامات ارشد دولت مالزی از جمله تون عبدالرزاق<sup>۱</sup>، معاون نخست‌وزیر ملاقات کرد. سرانجام دو کشور در تیر ۱۳۴۵/ژوئن ۱۹۶۶ توافق نمودند که روابط مجدداً برقرار شود و سفارت خود را در پایتخت‌های یکدیگر افتتاح نمایند و سه کشور در اعلامیه مشترک مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۴۵/۸ سپتامبر ۱۹۶۶ برقراری روابط را اعلام کردند. این توافق همان روز رسانه‌ای گردید و در اخبار اعلام شد که: «بر اثر مساعی شاه ایران، دولتین پاکستان و مالزی برای استقرار مجدد روابطشان توافق نمودند» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۸۵-۲۰۴-۳۲-۱۳۴۶ ش). این اقدام ایران، تأثیر مثبتی در افکار عمومی و مطبوعات دو کشور و دولت‌های اسلامی به جای گذاشت. برخی آن را زمینه‌ساز همکاری بیشتر خاورمیانه و جنوب شرق آسیا دانستند و دسته‌ای هم این سیاست را نمونه‌ای از ابتکار یک دولت آسیایی برای حل اختلافات و بهره‌مندی از دیپلماسی برای توسعه صلح ارزیابی کردند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۱۰۱۲۱-۱۲۲-۴۸-۸-۱۳۳۵.۵۰ ش). مقامات مالزی قردان این نقش ایران بودند و تونکو عبدالرحمن نخست‌وزیر

<sup>۱</sup>. Tun Haji Abdul Razak Hussein



مالزی در مسیر سفر به لندن در سال ۱۳۴۵ش. چند ساعت در تهران توقف نمود تا از شاه و دولت ایران در حل این بحران تشکر نماید (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۳۵-۷-۴۱۰-۲-۶۱-۱۳۵۹). در این سفر کوتاه مدت، عباس آرام برای ابراز مودت میان دو کشور یک قطعه نشان تاج به نخست وزیر مالزی اعطاء کرد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۸۵-۲-۴-۳۲-۱۳۴۶ش؛ گاهنامه پنجاه ساله شاهنشاهی، ۱۸۲۱/۲).

### برقراری روابط و تأسیس سفارت

در سفر تونکو عبدالرحمن به تهران، موضوع برقراری روابط سیاسی بین دو کشور نیز مورد بررسی قرار گرفت و طرفین بر سر ایجاد روابط تفاهم نمودند. سفارت ایران در تایلند طی یادداشت مورخ ۲ شهریور ۱۳۴۵ به سفارت مالزی اعلام نمود: با توجه به تصمیم دو دولت برای برقراری روابط سیاسی دوستانه، منوچهر مرزبان سفیر ایران در بانکوک را به عنوان سفیر آکردیته و نماینده ویژه جهت برقراری روابط معرفی می نماید (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۵-۸-۴۸-۱۳۳۵.۵۰). مالزی نیز متقابلاً در یادداشتی اعلام کرد که به سفارت آن کشور در بانکوک برای برقراری روابط، دستورات لازم را خواهد داد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۹۶-۴۸-۸-۱۳۳۵.۵۰؛ اطلاعات: ۱۳۴۵/۰۷/۱۹).

دولت مالزی در یادداشت شهریور ۱۳۴۵/ سپتامبر ۱۹۶۶ با پذیرش منوچهر مرزبان به عنوان سفیر، موافقت نمود. در تلگراف محرمانه شماره ۹۹، مرزبان به وزارت امور خارجه اطلاع داد که در ملاقات با سفیر مالزی دو طرف بر سر تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۴۵/ ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ به عنوان روز برقراری روابط تفاهم نمودند اما امکان سفر به دربار مالزی برای تحویل استوارنامه چند ماه بعد فراهم شد. به این ترتیب، با هماهنگی به عمل آمده، منوچهر مرزبان در زمستان ۱۳۴۵ روانه کوالالامپور شد. او به عنوان اولین سفیر ایران در ساعت ۱۱ مورخ ۱۷ بهمن ۱۳۴۵ با آگونگ<sup>۱</sup> نصرالدین، شاه مالزی ملاقات کرد و استوارنامه خود را طی مراسم و تشریفات خاصی تحویل داد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۶۷-۴۸-۸-۱۳۳۵.۵۰). در این مراسم، شاه مالزی از آغاز روابط بین دو کشور مسلمان و ورود سفیر ایران به کوالالامپور ابراز خشنودی نمود و آن را سرآغاز همکاری گسترده تر میان دو کشور دانست. بعد از این مراسم، مرزبان روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۵ با تونکو عبدالرحمن ملاقات و درباره توسعه روابط گفتگو نمود (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۶۸). سفیر به گونه ای برنامه ریزی کرد

۱. آگونگ (Agung) در زبان مالایی به معنی شاه است.

که این ملاقات در روز تولد نخست‌وزیر انجام پذیرد. او در این ملاقات که با حضور جمعی از بزرگان و سفرای خارجی مقیم کوالامپور صورت گرفت، یک جلد قرآن به تونکو عبدالرحمن اهداء نمود که به گفته خودش، تأثیر بسیار زیادی در جلسه و بر شخص نخست‌وزیر بر جای گذاشت. «ورود این جانب و تقدیم کلام‌الله مجید به‌عنوان بزرگ‌ترین تحفه یک کشور اسلامی به کشور دیگر اسلامی برای شگون و افتتاح باب مناسبات سیاسی و روابط نزدیک‌تر، اثر عجیبی به عموم بخشید و شخص تونکو عبدالرحمن برای چند دقیقه به‌طوری تحت احساسات قرار گرفته بود که نتوانست بیانات این جانب را پاسخ دهد ... این جانب نیز از هیجانی که این هدیه بدین طریق و در این روز ایجاد نمود، سخت تحت تأثیر قرار گرفته بودم» ( اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۵۰).

دولت مالزی خبر برقراری روابط را به هیأت‌های دیپلماتیک مقیم اطلاع داد و سفرای خارجی در مکاتباتی، ورود سفیر ایران را تبریک گفتند. وزارت خارجه مالزی نیز پس از برقراری رسمی روابط اعلام نمود که در ایران سفارت خود را افتتاح خواهد کرد. مرزبان در گزارش محرمانه شماره ۱۰۴ مورخ ۲۸ تیر ۱۳۴۶ به اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه اطلاع داد که دولت مالزی به نگاه‌محمد، سفیر آن کشور در بانکوک مأموریت داده تا در باره ایجاد سفارت در تهران با وی ملاقات نماید. سفیر مالزی به همتای ایرانی خود اظهار داشت که دولت مالزی در وعده خود برای افتتاح سفارت در تهران پابرجاست اما به علت مضیقه مالی ناشی از اجرای برنامه پنج‌ساله توسعه و فقدان کادر سیاسی لازم، امکان افتتاح سفارت در تهران را ندارد. با این حال، به‌محض انتخاب کمیسر عالی در پاکستان، او را به‌عنوان سفیر در ایران معرفی خواهد کرد تا زمینه سفارت مقیم فراهم گردد.

پس از سه سال، در ۱۳۴۸ ش. سرانجام این اتفاق رخ داد و احمد زین‌العابدین به‌عنوان نخستین سفیر مقیم مالزی در ۲۵ بهمن ۱۳۴۸ وارد تهران شد. او از دیپلمات‌های باتجربه مالزی به‌شمار می‌رفت که پیش از این، سابقه سفارت این کشور در مسکو را هم در پرونده خود داشت (اطلاعات: ۱۳۴۹/۰۱/۲۲؛ روابط دولت شاهنشاهی، ۱۳۵۵: ۳۱؛ گاهنامه پنجاه‌ساله شاهنشاهی پهلوی: ۲/۲۳۹۷). وی ابتدا مقدمات تأسیس سفارت را فراهم آورد و در اول اردیبهشت سال ۱۳۴۹ بعد از تقدیم استوارنامه به‌صورت رسمی فعالیت خود را به‌عنوان سفیر مقیم مالزی در تهران آغاز کرد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۴۱-۲-۷-۱۳۵۹۶۱).

با این اقدام، سفر هیأت‌های سیاسی و تجاری بین دو کشور تسهیل شد و سالانه تعداد زیادی از ایرانیان در حوزه‌های مختلف به مالزی سفر می‌کردند. از سوی دیگر، ایران در مسیر

ترانزیت هوایی اتباع مالزی به‌ویژه مقامات آن کشور به اروپا قرار داشت. دولت ایران تلاش نمود تا از طریق توسعه روابط با جنوب شرق آسیا، با کشورهای عضو اتحادیه جدید «آسه آن» مرادوات گسترده‌تری داشته باشد. اتحادیه با جمعیتی نزدیک به ۲۵۰ میلیون نفر، بازار مناسبی برای محصولات ایرانی از جمله نفت خام و پتروشیمی بود. بخش زیادی از کارگران صنایع مختلف ایران از جنوب شرق آسیا تأمین می‌شد که تعدادی از کارگران ماهر مالزیایی هم در زمره این افراد بودند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۴۱-۲-۷-۱۳۵۹.۶۱).

دولت مالزی علاقه‌مند بود تا تهران نیز اقدام به افتتاح سفارت نماید و این موضوع همواره در ملاقات با نمایندگان ایران مطرح می‌شد. بر اساس شواهد، دولت ایران در آن سال‌ها برنامه‌ای برای افتتاح سفارت در مالزی نداشت و با توجه به اینکه مرادوات اقتصادی بین دو کشور هم‌چندان گسترده نبود، هم‌چنان بر معرفی سفیر آکر دیته تأکید می‌کرد. وزارت خارجه برای رسیدگی به امور مالزی، مبلغی بر بودجه سالانه سفارت در تایلند افزود تا سفیر بتواند سالانه چند بار به کوالالامپور جهت ملاقات و پیگیری امور سفر نماید. در سال ۱۳۵۲ ش. موسی صدیق اسفندیاری برای تسلیم استوارنامه در دربار مالزی با شاه و تون عبدالرزاق نخست‌وزیر ملاقات کرد و یکی از موضوعات مورد گفتگو، بحث ایجاد سفارت مقیم در کوالالامپور بود. هنگامی که نخست‌وزیر از سفیر ایران دلایل تأخیر برای تأسیس سفارت را جویا شد، صدیق اسفندیاری پاسخ داد که دولت ایران علاقه‌مند به اجرای این موضوع است، اما تاکنون به علت مشکلات مالی این کار صورت نپذیرفته است (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۵۳-۸۸-۱۵-۱۳۵۱.۵۲).

در سیزدهم تیر ۱۳۵۷، هنگامی که فرج‌الله برهانی سفیر وقت ایران در تایلند برای تسلیم استوارنامه آکر دیته با شاه مالزی ملاقات نمود؛ مجدداً این موضوع مطرح شد. «اعلی‌حضرت ضمن مذاکرات ابراز امیدواری نمودند که با توجه به روابط صمیمانه بین دو کشور، دولت شاهنشاهی ایران در مالزی مبادرت به افتتاح سفارت نماید و علاوه نمودند که ما از چندین سال پیش در ایران سفارت مقیم داریم» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۷-۲۰۹-۲۸-۱۳۵۶.۵۸ ش.). این مکتوب نشان می‌دهد که مقامات مالزی انتظار داشتند که ایران عمل متقابل انجام داده و با افتتاح سفارت به تحکیم مناسبات و در نتیجه توسعه تجارت و دیگر مرادوات دو جانبه کمک نماید؛ این امر پس از انقلاب اسلامی محقق شد.

با وجود عدم تأسیس سفارت ایران در کوالالامپور پیش از انقلاب، روابط دو کشور بر پایه منشور سازمان ملل رو به توسعه بود و در عرصه‌های مختلف بین‌المللی و اسلامی با یکدیگر

مشارکت و تشریک مساعی داشتند. برای نمونه در سال ۱۳۴۹ ش. / ۱۹۷۰ م. نماینده دائم مالزی در سازمان ملل، پیشنهاد عضویت کشور خود در شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان را به اجلاس بیست و پنجم شورا ارائه کرد و از نماینده ایران درخواست حمایت نمود (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۲۱-۱۳۶-۲۱-۱۳۵۱.۵۳ ش.). در مورد دیگری در سال ۱۳۵۳ ش. / ۱۹۷۴ م. سفارت مالزی در بانکوک طی یادداشتی اعلام کرد که نماینده آن کشور برای عضویت در شورای اجرایی اتحادیه جهانی پست در جریان هفدهمین اجلاس در لوزان سوئیس نامزد خواهد شد. او ضمن اشاره به سوابق و تجربیات کشورش در این زمینه تقاضا کرد برای اینکه کشورهای در حال توسعه نیز در این شورا عضو داشته باشند، از نماینده مالزی حمایت گردد و ایران از نفوذ خود برای جلب آراء دیگر کشورها استفاده کند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۸۹.۲۲۹-۱۰۲-۱۷-۱۳۵۱.۵۳ ش.). ایران که همواره از کشورهای آسیایی در محافل بین‌المللی حمایت می‌کرد، قول مساعدت به نماینده مالزی داد. بعد از این اجلاس، دولت و وزارت خارجه مالزی از دولت ایران به علت حمایت از آن کشور در شورای اجرایی اتحادیه پستی جهانی تشکر کردند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۷۱).

با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، راه جدیدی برای همکاری و مشارکت ایجاد شد. تونکو عبدالرحمن در سال ۱۳۴۸ ش. / ۱۹۶۹ م. به‌عنوان دبیرکل انتخاب شد و تلاش کرد تا دبیرخانه را در کوالالامپور متمرکز نماید. در اوایل سال ۱۳۴۸ ش. او اعلام کرد که قصد دارد کنفرانسی برای بررسی برخی موضوعات دینی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دانشگاهی جهان اسلام برگزار کند. این برنامه روز شنبه اول اردیبهشت ۱۳۴۸ با پیام شاه مالزی افتتاح شد و نصیر عصار (رئیس هیئت)، آیت‌الله نجفی شهرستانی، دکتر علی‌اکبر شهایی و دکتر داودی از طرف دولت ایران در آن حاضر شدند. بازرگانی و دادوستد، سود بانکی از دیدگاه اسلام، ازدیاد نسل از منظر اسلامی، زکات و فطره ماه رمضان از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در این کنفرانس بودند (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۸: ۹۵؛ ساکت: ۱۳۴۸: ۷۱۵-۷۰۸).

دبیرکل در سال ۱۳۵۲ ش. از دولت ایران دعوت کرد تا در کنفرانس بررسی صلح در جهان اسلام شرکت نماید. به گفته اسدالله علم، تونکو عبدالرحمن برای برگزاری آن از حمایت نخست‌وزیر پاکستان برخوردار بود. ذوالفقار علی بوتو در نامه‌ای به شاه درخواست کرد از این کنفرانس که به نفع صلح در خاورمیانه است، پشتیبانی کند. علم در ادامه می‌گوید: «شاهنشاه جواب فرمودند: برعکس ممکن است نظرات مختلف و پیچیده افراد مختلف، کار را مشکل‌تر کند» (علم، ۱۳۹۰: ۲۵۳/۳). ایران استدلال می‌کرد در شرایطی که اختلافات بین اعضاء از

جمله کشورهای عربی شدید است، این گونه اجلاس‌ها نیز ثمری نخواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به در پیش بودن اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل، باز خورد مثبتی در پی نداشته و از آن استقبال نخواهد شد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۶۷-۱۳۶-۲۱-۵۳.۱۳۵۱ش.).

### بازدیدهای رسمی

نقش دولت ایران در حل بحران روابط مالزی و پاکستان موجب شد تا زمینه برای تحکیم مناسبات دو کشور فراهم‌تر گردد. پس از این رویداد، سفر مقامات ارشد دو کشور بیانگر اهتمام برای توسعه روابط بود که در این میان، سفر پادشاهان دو کشور نشان از سطح دیگری از روابط داشت. نخستین سفر رسمی را محمدرضاشاه انجام داد و در سال ۱۳۴۶ش. از مالزی بازدید نمود. اسدالله علم وزیر دربار در اعلامیه‌ای اظهار داشت: «نظر به عوالم دوستی و مودت بین ایران و مالزی، آگونگ السلطان اسمعیل نصیرالدین شاه و ملکه مالزی از شاهنشاه و ملکه برای سفر رسمی دعوت به عمل آوردند که درخواست با خرسندی پذیرفته شد و مسافرت از ۲۵ تا ۳۰ دی ۱۳۴۶ انجام خواهد شد» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۹۳-۱۵-۴-۴۶.۱۳۴۴ش.).

در ۲۷ دی ۱۳۴۶ شاه و همسرش با استقبال رسمی آگونگ اسمعیل نصیرالدین شاه و همسرش زهرا و دیگر مقامات عالی‌رتبه وارد کوالالامپور شدند. این اولین سفر پهلوی دوم به خارج از کشور بعد از تاج‌گذاری بود و از سوی دیگر وی به‌عنوان اولین شاه یک کشور اسلامی لقب گرفت که از مالزی دیدن می‌کرد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶: ۶۴). در شب ورود، ضیافت شام برپا شد و طرفین سخنانی را در راستای تحکیم روابط ایراد نمودند. محمدرضاشاه خطاب به همتای مالزیایی خود اظهار داشت: «دیدار ما از مملکت شما سرآغاز رابطه میان دو کشور نیست، بلکه به منزله فصلی تازه از یک ارتباط کهن است که از دیرباز بین ملت‌ها وجود داشته است» (گاهنامه ۵۰ ساله شاهنشاهی پهلوی، ۲/۲۱۳۸). شاه مالزی در این ضیافت نطقی نداشت و به پیشنهاد بخش تشریفات وزارت خارجه مالزی، سخنرانی وی از برنامه ضیافت حذف شد و به جای او تونکو عبدالرحمن نخست‌وزیر سخنانی ایراد نمود (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۹-۱۵-۴-۴۶.۱۳۴۴ش.).

محمدرضا شاه در طول اقامت در مالزی در دو مراسم ویژه شرکت کرد. ابتدا در برنامه‌ای که دانشگاه مالایا میزبان آن بود و در آنجا سخنرانی کوتاهی در باره پیشرفت و توسعه کشورهای در حال توسعه ایراد نمود. مسئولان دانشگاه دکترای افتخاری ادبیات به او اعطا

نمودند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۹). وی سپس در پارلمان مالزی درباره هماهنگی بین دولت‌ها برای توسعه و پیشرفت نطق نمود و برای نخستین بار بود که یک مقام عالی‌رتبه خارجی در پارلمان مالزی سخنرانی می‌کرد. بعد از این دو مراسم، هر دو شاه به نشانه دوستی و اتحاد دو ملت، در نماز جمعه شهر کوالالمپور شرکت کردند. تونکو عبدالرحمن نیز در این مراسم آنها را همراهی نمود. این اقدام در رسانه‌ها، به‌ویژه مطبوعات عربی بازتاب گسترده‌ای یافت (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۹). شاه یک سفر تفریحی نیز به شهر بندری و تجاری پنانگ داشت و با توجه به اینکه سر وزیر این ایالت، سید شح بن سید عبدالله شهاب‌الدین قبلاً کمیسر عالی مالزی در لندن بود و با اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه آشنایی داشت، استقبال و پذیرایی گرمی از هیأت ایرانی به‌عمل آمد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۲). این سفر روز اول بهمن ماه به پایان رسید و در خاتمه نیز بیانیه‌ای مشترک صادر شد.

در پاسخ به این سفر، آگونگ اسماعیل نصیرالدین‌شاه به همراه همسرش در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۴۸ وارد تهران شدند. در این سفر ۶ روزه، شاه مالزی علاوه بر ملاقات با مقامات ارشد ایرانی از چندین مکان تاریخی در شهرهای اصفهان و شیراز بازدید نمود (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۳۸؛ اطلاعات: ۱/۲۲/۱۳۴۸/۰؛ گزارش سالیانه وزارت امور خارجه: ۱۳۴۸، ۹۵). این نخستین سفر خارجی شاه مالزی بود و دولت ایران نیز استقبال گرمی از وی به عمل آورد. بازدید فوق، دوستی و تفاهم ایران و مالزی را تقویت کرد و توسعه مناسبات اقتصادی و فرهنگی را تشویق و هموارتر نمود. شاه مالزی طی ایام اقامت در ایران، در سالن رودکی تهران حضور یافت و از نزدیک به موسیقی سنتی ایران گوش داد. وی همچنین از برخی مراکز صنعتی نیز بازدید به‌عمل آورد.

یکی دیگر از اهداف دربار ایران از این برنامه‌های مسافرتی، آشنا نمودن مهمان خود با تحولات اجتماعی جدید بعد از انقلاب سفید بود (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه: ۱۳۴۸، ۴۰؛ اطلاعات: ۱/۱۹/۱۳۴۸/۰). در ضیافت شامی که در دربار برگزار شد، محمدرضاشاه در سخنان خود بار دیگر بر توسعه مناسبات تأکید کرد و اظهار داشت که: «دو ملت ما نه فقط دو عضو دوست و هم‌کیش خانواده بزرگ آسیایی هستند، بلکه این دو ملت از دیرباز با یک‌دیگر روابط وسیع معنوی و فرهنگی داشته‌اند» (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۴۷-۱۵-۴-۱۳۴۴.۴۶-۴۰ ش.۰). در جریان این سفر، هر دو مقام برای نشان دادن مراتب اتحاد و دوستی خود، برای به‌جای آوردن نماز و مراسم مذهبی در یکی از مساجد تهران حضور یافتند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۱۱).

علاوه بر سفر شاه، نخست‌وزیر و دیگر مقامات دولت مالزی به ایران، برخی از سلاطین ایالات از جمله سلطان ادریس، شاه پراک و همسرش در خرداد ۱۳۴۷ سفر غیررسمی به تهران داشتند. (اداره حفظ و نگهداری اسناد: ۹-۱۵-۴-۱۳۴۴.۴۶؛ گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۷: ۷۴). شاه عبدالعزیز سلطان سلانگور در سال ۱۳۵۳ ش. به صورت غیررسمی به ایران مسافرت کرد و از اماکن تاریخی و گردشگری ایران بازدید نمود. متعاقباً در شهریور ۱۳۵۲ غلامرضا پهلوی به دعوت دربار مالزی به کوالالمپور سفر کرد و با مقامات ارشد از جمله شاه و نخست‌وزیر دیدار و درباره توسعه روابط گفتگو کرد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۵۲: ۱۱۲).

### عهدنامه مودت

دو دولت ایران و مالزی پس از برقراری روابط تفاهم کردند که به‌منظور تحکیم مناسبات در چارچوب منشور ملل متحد، اقدام به امضای عهدنامه مودت به‌عنوان مبنای توسعه روابط نمایند. این عهدنامه پیش از سفر شاه به مالزی از سوی دو طرف تهیه و در روز ورود شاه امضاء شد و برای طی روند اداری و قانونی، بر اساس قوانین داخلی جهت تصویب در پارلمان در اختیار دولتین قرار گرفت. عهدنامه شامل پنج ماده و متضمن توسعه همه‌جانبه روابط بود (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۳۶-۱۰۷-۲-۶۱-۱۳۵۹ ش.).

تونکو عبدالرحمن به‌عنوان نماینده ویژه مالزی و منوچهر مرزبان به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار ایران برای امضاء معرفی شدند. ماده اول بر برقراری صلح و دوستی پایدار بین دو ملت تأکید داشت و در ماده دوم، طرفین متعهد شدند تا روابط سیاسی و کنسولی را حفظ نمایند و نمایندگان سیاسی و کنسولی در خاک یک‌دیگر بر اساس رعایت معامله متقابل از امتیازات و مصونیت‌هایی که بر طبق اصول کلی حقوق بین‌الملل به مأمورین هم‌پایه آنها اعطاء می‌شود، برخوردار گردند. در ماده سوم متعهد شدند که با انعقاد معاهدات جدید، زمینه‌ساز توسعه مناسبات تجاری، فرهنگی، کنسولی و دریانوردی شوند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۴-۵۰-۸-۱۳۳۵.۵۰). عهدنامه در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۴۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در ۱۸ آبان از تصویب مجلس سنا گذشت. در ۷ اردیبهشت ۱۳۵۰ بین نمایندگان دو کشور، اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران و احمد زین‌العابدین سفیر مالزی مبادله شد و از تاریخ مزبور لازم‌الاجراء گردید (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۴-۶۱-۱۳-۱۳۴۹.۵۰ ش.).

## پیشینه مراودات تجاری

تجارت همواره نخستین سنگ بنای مراودات بین ملت‌ها بوده است. اسناد مکتوب، روابط تجاری ایران با سرزمین مالایا را به صورت مستقیم یا با واسطه، به پیش از قرن شانزدهم میلادی نسبت می‌دهند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۳۵-۴۱۰۷-۲-۱۳۵۹۶۱ ش.). البته برخی از محققان، این ارتباط را به دوران پیش از اسلام و دوره ساسانیان نیز می‌رسانند (Guillot, 2020: 408). آن‌ها استدلال می‌کنند که روابط تجاری ایران با شرق آسیا از جمله چین گسترده بود و ملل ساکن در جنوب شرق آسیا به نوعی واسطه این مسیر تجاری بودند و غرب را به شرق متصل می‌کردند و از این رو، طبیعی بود که تبادلاتی با ایرانیان داشته باشند. سیراف از مهم‌ترین بنادر تجاری خلیج فارس در دوره باستان و قرون اولیه اسلامی بود و نقش برجسته‌ای در تجارت بین‌المللی یعنی «راه ادویه» یا «راه ابریشم آبی» داشت (Colless: 1969: 11؛ یحیایی، ۱۳۸۷: ۹۱). بندر لنگبالوس<sup>۱</sup> واقع در شرق اقیانوس هند که منتهی به مالزی و اندونزی امروزی می‌شود، از مراکز قدیمی بازرگانی جنوب شرق آسیا بود که با سیراف روابط تجاری داشت. کالابار<sup>۲</sup> دیگر بندر مهم تجاری شبه جزیره مالایا بود و تجار سیرافی با بازرگانان آنجا مراوده داشتند. در منابع از این بندر به عنوان یکی از مراکز ارتباطات تجاری شرق با غرب نام برده‌اند (یحیایی، ۱۳۸۷: ۱۰۴؛ 14: 2003: 33. Brown: 2003: 33. Soltaninejad, 2017). به این ترتیب، می‌توان گفت که دریانوردان ایرانی برخلاف برخی نظریات، تنها به سواحل هند و سیلان متکی نبوده، بلکه شبه جزیره مالایا را برای صدور کالا به شرق آسیا دور می‌زدند (Colless, 1969: 15, Guillot, 2020: 410). با آنکه در باره حضور ایرانیان در مالزی اسناد و مدارک کمی در دست است اما از برخی آثار و بقایای به جای مانده متعلق به قرن سوم تا ششم میلادی در شبه جزیره مالایا و دیگر جزایر اطراف، این گونه برمی‌آید که ایرانیان در این منطقه سکونت داشته‌اند (Guillot, 2020: 409). براون معتقد است که در قرن هشتم میلادی در دوره شکوفایی امپراطوری سریویجایا<sup>۳</sup> در سرزمین‌های مالایانشین، اقوام مختلف از جمله شمار زیادی ایرانی از مسیر راه ابریشم دریایی به منطقه جنوب شرق مهاجرت کرده و به تجارت مشغول شدند (Brown, 2003: 20). این جامعه فارسی‌زبان در ایالت ملاکا<sup>۴</sup> اسکان داشت و به کار تجارت در منطقه مشغول بود. در واقع، رونق تجارت و گسترش اسلام در جنوب شرق آسیا موجب گردید تا شماری از ایرانیان در این منطقه ساکن شوند (Colless, 1969: 33).

1. Langballus

2. Kalabar

3. Sri Vijaya

4. Malacca



(Soltaninejad, 2017: 33). این گروه تا اوایل قرن شانزدهم که پرتغالی‌ها وارد منطقه شدند، به حیات خود ادامه دادند. اما با ورود دریانوردان اروپایی، منافع آنها هم به خطر افتاد و به تدریج جنوب شرق آسیا را ترک کردند.

با ورود پرتغالی‌ها به آسیا، روند ارتباطات مراکز تجاری خلیج فارس با جنوب شرق آسیا تغییر کرد و دریانوردان تازه‌وارد با اتکاء به کشتی‌های پیشرفته از غرب تا شرق آب‌های آسیا را تحت تسلط و مدیریت خود درآوردند. بازرگانان مسلمان که برای قرن‌ها تجارت دریایی آسیایی را در انحصار خود داشتند، در این زمان امکان مقابله با نیروی نوظهور را نیافتند و پرتغالی‌ها بخش زیادی از ناوگان تجاری مسلمانان را امحاء و از چرخه تجاری خارج کردند (دان، ۱۳۸۲: ۱۶۲). آن‌ها به عنوان واسطه عمل می‌کردند و بخش زیادی از ارتباطات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم زیر نظر آن‌ها انجام می‌شد و به این صورت، تجارت پر سود آسیا به دست دریانوردان اروپایی افتاد. در سال ۱۵۰۹م. دیه‌گو لویس دسکیرا<sup>۱</sup> بعد از عبور از آب‌های خلیج فارس، دریای مکران و پیمودن اقیانوس هند به بندر ملاکا رسید تا در مناطق شرقی نیز پایگاه‌های پرتغال را ایجاد نماید (Godinho, 2013: 75).

پرتغالی‌ها پیش از این، در سال ۱۵۰۷م. جزیره هرمز، مهم‌ترین مرکز تجاری غرب آسیا در سواحل خلیج فارس را ضمیمه قلمرو دریایی خود کرده بودند. آنها سعی داشتند که این جزیره را به ملاکا متصل و مسیر تجاری آبی جدیدی را ایجاد نمایند. قلعه‌های نظامی، یادگار حضور این قدرت اروپایی در هر دو منطقه، پس از گذشت بیش از پنج قرن، هنوز به جای مانده است. این دو بندر در دیدگاه پرتغالی‌ها اهمیت زیادی داشتند و از نظر اداری نیز آن دو را به فرماندهان ارشد خود سپرده بودند (Rodrigues, 1944: Xxxvi). پرتغالی‌ها با فرماندهی آلفونسو آلبوکرک موفق شدند که یک خط ارتباطی تجاری بین سه بندر مهم هرمز، گوا و ملاکا ایجاد نمایند (Godinho, 2013: 78). هرمز ثروتمندترین و پررونق‌ترین مرکز تجاری خلیج فارس بود و تجار منطقه با کمک پرتغالی‌ها ابریشم، اسب، فرش، مواد معطر و مروارید را از این بندر به ملاکا و دیگر مراکز تجاری جنوب شرق آسیا صادر و ادویه وارد می‌کردند (Godinho, 2013: 89, 107; Rodrigues, 1944: 19, 20). بیشترین حجم مبادلات تجاری سلطنت نشین ملاکا با بازرگانان گجراتی بود که برخی از آنها اصالت ایرانی داشتند و به پارسیان هند مشهور هستند.

<sup>۱</sup>. Diego Lopez Desquera

در دوره صفویه، فرهنگ و تمدن ایرانی- شیعی در هند گسترش زیادی یافت. حکام شیعه‌مذهب قطب‌شاهی در گلکنده هند نفوذ تجاری فراوانی در منطقه داشتند و در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی تجارت وسیعی با ملاکا برقرار کرده بودند (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۸؛ سلجوق، ۱۳۵۴: ۱۹). سلسله قطب‌شاهیان شبه‌قاره نیز که با صفویه رابطه خوبی داشتند و به‌نوعی رابط اصلی ایران با هند و جنوب شرق آسیا بودند (Soltaninejad, 2017: 34)، با ظهور شاه عباس کبیر و برنامه‌های تجاری او، گروهی از ارامنه مقیم اصفهان برای توسعه تجارت با جنوب شرق روانه ملاکا شدند (Guillot, 2020: 433).

با گسترش استعمار اروپایی، شرکت هند شرقی هلند از اوایل قرن هفدهم میلادی موفق شد اداره بندر ملاکا را در دست گرفته و بر مسیرها و بنادر تجارتی جنوب شرق که با غرب آسیا و خلیج فارس همکاری داشتند، مسلط شود. بندر ملاکا به مدت ۲۵ سال در اختیار هلندی‌ها بود. در این منطقه رقابت شدیدی بین دولت‌های استعماری از جمله هلند، انگلیس و فرانسه وجود داشت و در نهایت، از اوایل قرن نوزدهم میلادی بریتانیا تفوق یافت و بندر پنانگ<sup>۱</sup>، ملاکا و سنگاپور را به مستعمرات خود اضافه کرد. از این زمان، از ارتباطات بین سلطان‌نشین‌های مالایا با بنادر ایرانی در خلیج فارس و مکران اطلاعاتی در منابع ذکر نشده است.

### روند مناسبات بازرگانی در دوره معاصر

مالزی سرزمین ثروتمندی است و کائوچو، الوار و دیگر محصولات کشاورزی از جمله پالم و ادویه مهم‌ترین محصولات صادراتی آن کشور بودند (Mat Yazid, 2013: 6) و به تدریج با صنعتی‌شدن، نیاز جوامع به این مواد بیشتر شد. بر اساس احصائیه گمرکی ایران، قدیمی‌ترین تاریخ تبادلات تجاری ثبت‌شده بین مالایا و ایران به سال ۱۳۲۶ ش. / ۱۹۴۷ م. بازمی‌گردد و آمار ثبت‌شده نشان می‌دهد که مبادلات مقطعی بوده است. تجارت ایران با مالایا در سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۷-۱۳۲۶ ش. برقرار بوده و در احصائیه با نام «مالزی بریتانیا» ضبط شده است. در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۹ ش. نام مالزی در احصائیه ذکر نشده و در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۱ ش. نام «مالایا» به عنوان شریک تجاری آمده است. بر اساس گزارش‌های صادره در خصوص حجم بازرگانی بین دو کشور، در سال ۱۳۴۱ ش. میزان واردات ایران ۱۳۴ میلیون ریال بود که در سال ۱۳۴۵ ش. به ۳۳۱ میلیون ریال افزایش یافت. از سوی دیگر، ارزش صادرات ایران به مالزی ۴۷۳ میلیون ریال بوده است (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۸۲-۸۳-۲۰۴-۳۲-۱۳۴۶ ش.).

<sup>۱</sup>. Penang Port

در سال ۱۳۴۶ ش. هم‌زمان با سفر پهلوی دوم به مالزی، یک هیئت بازرگانی به ریاست علی‌اکبر محلوجی، نایب رئیس اتاق بازرگانی تهران به آن کشور مسافرت کردند تا به بررسی شرایط تجاری و بازار منطقه جنوب شرق بپردازند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۳۶-۴۱۰.۷-۲-۱۳۵۹.۶۱ ش.). در این سفر، محلوجی با لیم یوئی اون<sup>۱</sup>، وزیر تجارت مالزی ملاقات و درباره زمینه‌های همکاری بازرگانی گفتگو کردند (محلوجی، ۱۳۴۶: ۵۶؛ اطلاعات: ۲۶/۱۰/۱۳۴۶). دو طرف توافق نمودند که یک شرکت کود شیمیایی با سرمایه‌گذاری مشترک ایران، مالزی و آمریکا در آن کشور تأسیس شود (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶: ۶۴) محلوجی درباره این سفر می‌گوید: «پس از بازدید باید اضافه کنم که رقابت در بازارهای دو کشور تایلند و مالزی با وجود کالاهای بسیار ارزان ژاپنی کار دشواری است ولی در صورت تشویق دولت و فعالیت بازرگانان ایرانی، می‌توان به تسخیر بازارهای مالزی و تایلند امیدواری کامل داشت» (محلوجی، ۱۳۴۶: ۵۶). از نظر او، مردم مالزی از قدرت خرید بالاتری نسبت به دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا برخوردار بودند. از این رو، مالزی یک بازار مناسب برای کالاهای ایرانی به‌شمار می‌رفت.

طی روزهای ۱۳ لغایت ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۹، تون عبدالرزاق معاون نخست‌وزیر مالزی از ایران بازدید کرد و با شاه، امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ملاقات و راه‌های توسعه روابط تجاری را بررسی نمودند (روابط خارجی ایران، ۱۳۴۹: ۱۴۱). در این ملاقات، در زمینه «برقراری و توسعه روابط مستقیم اقتصادی و مبادله کارشناس و هیئت‌های اقتصادی بر مبنای مشارکت خرید محصولات پتروشیمی، کود شیمیایی و بنزین از ایران، در مقابل فروش قلع و لاستیک» توافق شد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹: ۱۴۳؛ اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲-۴۱-۹-۱۳۴۸ ش.).

با رشد و رونق اقتصادی در دنیا، نفت ارزشی دو چندان پیدا کرد و کشورهای مختلف به نحوی به دنبال بهره‌برداری از آن بودند. در سال ۱۳۵۱ ش. یک گروه از متخصصان ایرانی متشکل از عبدالحسین بختی، ابوالفضل فرید و ایرج صالحی به درخواست سر وزیر ایالت ساراواک به مالزی اعزام شدند تا تحقیقات و مشاوره‌هایی برای کشف و استخراج نفت به آن دولت ارائه دهند. این کارشناسان گزارشی تحت‌عنوان «مطالعه بعضی از جنبه‌های صنعت نفت ساراواک» را به مقامات دولتی مالزی ارائه کردند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۴). از سوی دیگر شرکت ملی نفت ایران آمادگی خود را برای همکاری در زمینه

<sup>۱</sup>. Lim Yue Eun

فعالیت‌های نفتی و فروش مشتقات آن به مالزی اعلام داشت و مطالعاتی در این زمینه به‌عمل آورد (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه: ۱۳۴۹، ۱۴۳).

دولت مالزی در سال ۱۳۵۳ ش. / ۱۹۷۴ م. با حمایت از تأسیس شرکت پتروناس تلاش نمود که نقش فعال‌تری در فرایند امور مربوط به نفت ایفاء نماید. محمدیوسف بن زینل، سفیر مالزی در دیدار با رئیس شرکت ملی نفت ایران ابراز علاقه نمود که شرکت ملی نفت ایران با پتروناس وارد گفتگو برای همکاری شود؛ درخواستی که به گفته طرف ایرانی بسیار وسیع بود. از این رو، پیشنهاد نمود دولت مالزی تقاضای خود را به‌صورت جزئی‌تر در اختیار ایران قرار دهد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۳-۴۰-۶-۵۵-۱۳۵۱ ش.).

چوب و الوار هم از دیگر ظرفیت‌ها برای همکاری تجاری دو کشور بود. در سال ۱۳۵۰ ش. یک هیئت به ریاست وزیر کشاورزی مالزی با مسافرت به ایران راه‌های همکاری را بررسی کردند. در سال ۱۳۵۱ ش. عبدالرحمن یاکوب سر وزیر ایالت ساراواک و سفیر مالزی در تهران با غلام‌حسین معصومی وزیر کشاورزی و منابع معدنی ملاقات و در باره نحوه بهره‌برداری از جنگل‌های ساراواک گفتگو کردند (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۱۹۱؛ اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۵-۶۷-۱۳-۳۴۹.۵۰-۱۳ ش.). در گزارش دیگری که سفارت ایران در تایلند ارسال نمود، سلطان جعفر، شاه ایالت نگری سمبیلان و سید ظهیرالدین، حاکم ایالت ملاکا آمادگی خود را برای همکاری با ایران و گسترش تجارت در زمینه نفت و چوب‌های جنگلی اعلام کردند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۰-۴۰-۶-۵۵-۱۳۵۱ ش.).

از زمان برقراری روابط بین دو کشور، بحث قرارداد تجاری مطرح بود و در عهدنامه مودت هم به توسعه روابط تجاری اشاره شده بود. حجم تجارت رو به افزایش بود و در ۹ ماه اول سال ۱۳۵۳ ش. به پنج میلیون دلار رسید. از این رو، ساماندهی تجارت بین دو کشور در قالب یک موافقت‌نامه ضروری بود. این مهم در اوایل سال ۱۳۵۵ ش. به مرحله تبادل پیش‌نویس رسید. متن پیش‌نویس سفارت مالزی دارای سه ماده و یک پیوست، شامل فهرست ۴۷ قلم کالای صادراتی پیشنهادی به ایران بود. پیش‌نویس ایران نیز نه ماده و یک فهرست شامل ۷۴ قلم کالای صادراتی به مالزی را در برمی‌گرفت. پس از دریافت متن پیشنهادی ایران، سفارت مالزی نیز اقدام به تغییر پیش‌نویس قبلی نمود و طرح جدید را با نه ماده ارائه داد. وزارت خارجه ایران در یادداشتی به سفارت مالزی اعلام کرد که دولت ایران اصل کامله‌الوداد را در هیچ‌یک از قراردادهای خود لحاظ نمی‌کند و درج آن در موافقت‌نامه با مالزی نیز ضرورتی ندارد و لیست کالاهای صادراتی و وارداتی نیز باید با حضور کارشناسان مورد بازنگری قرار بگیرد (اداره حفظ

و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲-۱۷۳-۲۶-۱۳۵۳.۵۵ ش. این موافقتنامه در دوره پهلوی در حد تبادل پیش‌نویس باقی ماند و اقدام خاصی جهت عملی شدن آن انجام نگرفت. طبق گزارش وزارت امور خارجه در سال ۱۳۵۴ ش. تجارت بین دو کشور تغییراتی داشت و صادرات ایران بدون احتساب نفت نسبت به سال قبل ۶۳ درصد کاهش داشت و در مقابل، واردات از مالزی ۵۲ درصد افزایش را نشان می‌داد.

### روابط فرهنگی

پیوندهای تاریخی و مناسبات فرهنگی ایران با دنیای مالایی و جنوب شرق آسیا قدمت طولانی دارد. هر چند برخی آثار به جای مانده آن را به پیش از ظهور اسلام می‌رساند اما این مناسبات در قرون میانه اسلامی نضج گرفت و مستحکم شد. ابراز تمایل مردم مالایی زبان به دین موجب شد تا ادبیات با بن‌مایه دینی خمیرمایه اصلی ارتباطات شود. تجار ایرانی، عرب و هندی که از طریق راه ابریشم آبی مراودات بازرگانی را برعهده داشتند، از اسباب مهم گسترش و انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی در بین ساکنین مالزی و اندونزی امروزی بودند. مبادلات در ادوار بعدی به ثمر نشست و بسیاری از آثار شعرا و عرفای ایرانی در بین مالایی‌ها مورد اقبال قرار گرفت. حمزه فنسوری از بزرگ‌ترین اندیشمندان مسلمان جنوب شرق آسیا نقش بزرگی در این میان ایفا نمود و به بزرگ‌ترین شارح و مفسر عرفان ایرانی تبدیل شد. سابقه تاریخی، ظرفیت مناسبی برای بازسازی و توسعه روابط فرهنگی در قرن بیستم میلادی فراهم آورد و در این مبحث سعی شده است که سوابق، ظرفیت‌ها و اقدامات انجام شده بعد از برقراری روابط سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

### جایگاه ایرانیان در گسترش اسلام در جنوب شرق آسیا

نحوه ورود اسلام به جنوب شرق آسیا بحث بسیار گسترده‌ای است و در باره نقش ایرانیان، اعراب و هندی‌ها نظرات متفاوتی مطرح شده و همچنان محل بحث محققان است. اگر کتب و رسایل اسلامی را یکی از معیارهای گسترش اسلام در این منطقه بدانیم، ایرانیان نقش اساسی در این امر داشته‌اند. زیرا بیشتر کتاب‌های اسلامی که در اختیار مسلمانان مالایی قرار گرفت، ریشه در ادبیات و زبان فارسی داشت (نیرنوری، ۱۳۴۵: ۵۱۴؛ هاشمی‌نیک، ۱۳۶۹: ۱۴۷). برخی از نویسندگان عرب معتقدند که این کشورها از جمله مالزی پیش از آشنایی با اعراب و ایرانیان، از طریق تجار چینی و هندی با اسلام آشنا شدند (شریبه، ۱۳۳۷: ۶۱۰؛ عبدالرئوف، ۱۳۸۵: ۸۷).

عفان سلجوق استاد دانشگاه مالایا معتقد است که از قرن دوم هجری قمری، گروهی از ایرانیان که شیعه علوی بودند، به رهبری فردی به نام شیبان از بیم تهدیدات حکومت بنی‌امیه به شرق آسیا مهاجرت کردند و در یک جزیره به نام «کاوآن» که در مسیر دریایی چین قرار داشت، سکنی گزیدند (سلجوق، ۱۳۵۴: ۱۷). برخی از نویسندگان متأخر مالزی، گروه مذکور را تأیید می‌کنند و بر این باورند که آن‌ها در قرن هفتم میلادی از سوی امویان اخراج و به محلی به نام «چامپا» در نزدیکی مالزی پناهنده شدند (Idris & Yussof, 2015: 126).

طبق متون به‌جای‌مانده، ایرانیان مهاجر در بین ملل و حاکمان جنوب شرق آسیا جایگاه رفیعی داشتند و بر اساس توانایی‌هایی که از خود بروز دادند، در سطوح مختلف حکومتی به کار گمارده شدند. ابن بطوطه سیاح معروف مراکشی در سفر خود به دنیای مالایی، از چند ایرانی نام می‌برد که در آنجا مشغول به کار بودند. او می‌گوید زمانی که به جاوه رسید، یک دریادار به نام بهروز و دو عالم و فقیه با نام‌های ایرانی را ملاقات کرده است. «کفیل فرمانده بحری که بهروز نام داشت، ورود من را به سلطان آگاهی داد و او امیر دؤلسه را به ملاقات من فرستاد. قاضی امیر سید شیرازی و تاج‌الدین اصفهانی و جمعی دیگر از فقها با او بودند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۷۶/۲؛ نیرنوری، ۱۳۴۵: ۵۱۵).

گروهی از محققین نقش تجار در گرویدن مردم منطقه به اسلام را برجسته می‌نمایند (عبدالرئوف، ۱۳۸۵ق: ۹۶). به نظر می‌رسد که تجار هندی به واسطه نزدیکی به شبه‌جزیره مالزی و تبحر در دریانوردی، نقش مهم‌تری در این روند داشته‌اند. برخی از این تجار هندی اصالت ایرانی داشتند و از طرفداران مذهب سنی شاخه شافعی و یا شیعیان اسماعیلی بودند. ایالت ملاکا مرکز تجاری جنوب شرق در قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی بود و فرمانروای آن، سلطان مظفر شاه تأثیر زیادی در نشر اسلام در سرزمین مالزی ایفا نمود (شریبه، ۱۳۳۷: ۶۱۱). با توجه به زمینه‌های مذهبی بودیسم در این منطقه، اسلام عرفانی بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت (ربانی، ۱۳۹۷: ۳). شریبه نویسنده مصری الازهر می‌گوید که ایران در دوره فرمانروایی تیموریان مرکز ثقل تفکر و اندیشه اسلامی بود و شافعیان و صوفیان مورد حمایت مستقیم دربار تیمور بودند. از میان فرق مختلف متصوفه نیز فرقه قادریه در منطقه جنوب شرق و شرق آسیا رونق زیادی یافته بود و حتی بعدها در دوره تسلط پرتغالی‌ها بر آسیا نیز این روند ادامه یافت (شریبه، ۱۳۳۷: ۶۱۴). با سقوط تیموریان و برآمدن صفویه، تغییراتی در این حمایت‌ها رخ داد و تفکرات علمای حضرموت به تدریج جایگزین اندیشه‌های ایرانی شد (ربانی، ۱۳۹۷: ۷).

### پیشینه مناسبات فرهنگی

چنان که گذشت، تجار و مهاجران نخستین پیام‌آوران اسلام به این منطقه بودند و اسلام عرفانی که با زبان فارسی رابطه تنگاتنگی دارد، در جهان مالایی رشد کرد. ترجمه کتاب‌هایی از جمله *بختیارنامه* و *تاج‌السلاطین* به زبان مالایی، بیانگر رابطه دو ملت ایران و مالایی است (Guillot, 2020: 423-426؛ نیرنوری، ۱۳۴۵: ۵۱۵). قبل از ورود استعمارگران اروپایی به آسیا شمار زیادی از ایرانیان به‌عنوان تاجر در جنوب شرق از جمله سرزمین سیام سکونت گزیدند. شیخ احمد قمی سرشناس‌ترین بازرگانی است که در سال ۱۶۰۲م. به سیام (تایلند) رفت و به مدت ۲۶ سال در آنجا زندگی کرد. او نقشی مهم در ترویج فرهنگ و زبان فارسی در این منطقه داشت. حضور گسترده ایرانیان در جنوب شرق، به‌ویژه سیام موجب شد تا شاه سلیمان صفوی در قرن هفدهم میلادی هیأتی را برای رسیدگی به وضعیت آن‌ها و هم‌چنین برقراری روابط دیپلماتیک با سیام به منطقه اعزام نماید.<sup>۱</sup>

حمزه فنسوری از اولین اندیشمندان دنیای مالایی است که نقش برجسته‌ای در نزدیکی فرهنگ ایرانی با مالایی ایفا نمود؛ این شخصیت بی‌نظیر دنیای مالایی اصالت سوماترایبی دارد. برخی از محققان بر این عقیده‌اند که او از طریق ایرانیان مقیم تایلند با زبان فارسی و آیین تصوف و تشیع آشنایی بیشتری پیدا کرد (مارچینکوفسکی، ۱۳۸۴: ۱۴؛ سلجوق، ۱۳۵۴: ۱۸). فنسوری به‌شدت متأثر از شعرا و صوفیان ایرانی از جمله شیخ محمود شبستری، فخرالدین اسعد گرگانی، عبدالرحمن جامی و فریدالدین عطار بود. این اندیشمند در آثار خود از کتاب *گلشن راز* شبستری، عارف مشهور قرن هفتم هجری قمری که از مهم‌ترین آثار درباره عرفان است استفاده زیادی کرد (ظفر اقبال، ۱۳۸۴: ۱۹). وی نخستین فردی بود که ادبیات مالایی را به چالش کشید و به ایجاد سبک جدیدی اهتمام ورزید که از شعر و تصوف فارسی الهام می‌گرفت. همین تأثیرات، کریستوف مارچینکوفسکی و شهاب ستوده را بر آن داشت تا برای نخستین بار بر روی داستان‌های تاریخی مالایی و تأثیرات ادبیات فارسی بر آن‌ها تمرکز کنند (Daneshgar, 2014:200).

### ایجاد کرسی زبان فارسی

غناي زبان فارسی به اندازه‌ای بوده و هست که در همه ادوار تاریخ، مورد توجه ایران‌شناسان و مستشرقین قرار گرفته است. در دوره پهلوی دوم، با افزایش درآمدهای دولت و با نظارت مستقیم دربار، فعالیت‌ها در حوزه ایران‌شناسی رونق گرفت و گسترش زبان فارسی از اولویت‌های

<sup>۱</sup> شرح این سفر در کتابی که محمد ربیع ابن محمد ابراهیم منشی هیئت با نام *سفینه سلیمانی* نگاشته، آمده است.

آن بود. در سفر سال ۱۳۴۶ش. محمدرضا شاه به مالزی، یکی از موضوعات فرهنگی مطرح‌شده، ترویج و آموزش زبان فارسی در دانشگاه مالایا بود. در سال ۱۳۵۳ش. با رایزنی‌های صورت‌گرفته از سوی سفارت دو کشور در بانکوک، مقرر شد تا اولین کرسی زبان فارسی جنوب شرق آسیا در دانشگاه ملی مالزی (مالایا) تأسیس شود (گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶: ۶۵؛ اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۲۱-۱۰۲-۱۷-۱۳۵۱.۵۳ش.).

دانشگاه مالایا اعلام آمادگی کرد تا شرایط و امکانات لازم برای این اقدام را مهیا نماید. چندی بعد، سفارت مالزی در بانکوک ضمن اعلام آمادگی دانشگاه مزبور برای میزبانی، از دولت ایران درخواست نمود که ملزومات موردنیاز از جمله کتاب و مدرس زبان فارسی را فراهم کند. عفان سلجوق استاد دانشگاه مالایا به‌عنوان مسئول آموزش زبان فارسی انتخاب شد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۷-۱۰۲-۱۷-۱۳۵۱.۵۳ش.). وزارت فرهنگ و هنر در راستای درخواست دانشگاه مالزی، یک‌هزار جلد کتاب مرتبط با ایران‌شناسی و زبان فارسی را به مالزی ارسال کرد. با پیشنهاد بنیاد ایران‌شناسی، محمد دامادی استاد دانشگاه جندی‌شاپور برای تدریس زبان فارسی در مالزی معرفی شد. اما پس از مدتی رایزنی در این زمینه، او از این سفر انصراف داد. از دیگر اقدامات دانشگاه ملی مالزی در زمینه فرهنگ ایرانی، برگزاری بزرگداشت برای مفاخر و دانشمندان ایرانی بود و سید محمد نقیب العطاس رئیس انستیتو زبان و فرهنگ مالزی که علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی بود، نقشی مهم در مرادوات فرهنگی ایفا کرد (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۲۳).

### بورسیه به دانشجویان مالزیایی

در سال ۱۳۴۸ش. اصلا ن افشار سفیر ایران در واشنگتن با همتای مالزیایی خود ملاقات و گفتگو کرد. سفیر ایران پیشنهاد کرد که مرادوات دانشگاهی و دانشجویی بین دو کشور گسترش یابد و اظهار داشت که دولت ایران از حضور دانشجویان و طلاب مالزیایی در دانشگاه‌های ایران استقبال می‌کند و قول داد از نهادهای مربوطه درخواست نماید که سالانه چند بورس را به اتباع مالزی اختصاص دهند (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۷-۴۷-۱۳۴۹-۱۰ش.). اعزام طلاب از مالزی با توجه به تفاوت مذهبی، کمی عجیب به‌نظر می‌رسید. علت این پیشنهاد را باید در واکنش به تبلیغات منفی جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر جستجو کرد. زیرا دانشگاه‌های مصر میزبان شمار زیادی از دانشجویان و طلاب مالزیایی بودند و این می‌توانست تصویری منفی از ایران را در ذهن این دانشجویان به‌جای بگذارد.



سازمان حج و اوقاف اعلام کرد که ابتدا از مقامات مالزی در این خصوص استعلام به عمل آمده، سپس اقدام به جذب دانشجویان و طلاب شود. عبدالحسین حمزاوی سفیر ایران در تیر ۳۴۹ در ملاقات با تونکو عبدالرحمن، موضوع بورسیه را مطرح کرد و طرفین این پیشنهاد را از ابعاد مختلف از جمله تفاوت‌های دینی مورد بررسی قرار دادند. نخست‌وزیر مالزی پیشنهاد را پذیرفت و آن را گامی مهم در راستای بهره‌مندی طلاب از تجربیات ایرانیان ارزیابی کرد. بعد از این ملاقات، حمزاوی به وزارت خارجه اطلاع داد که تفاوت مذهب برای طرف مالزیایی اهمیتی ندارد و درخواست نمود در سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹ چند بورس از سوی مراکز آموزشی به دانشجویان اهل مالزی اختصاص دهند. با توجه به کوتاه بودن زمان ثبت‌نام و پُر شدن ظرفیت‌ها دانشگاه مشهد، شیراز و تبریز هر کدام یک بورسیه برای متقاضیان مالزیایی در نظر گرفتند. (اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه: ۸-۴۸-۷۷-۱۳۳۵.۵۰؛ گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰: ۱۹۲).

### نتیجه‌گیری

روابط دیرپای ایران با دنیای مالایی با قدمتی طولانی نیازمند شناخت و توجه بیشتر است. مقاله حاضر به بررسی و واکاوی مراودات ایران و مالزی پرداخته، هرچند داعیه پرداختن به همه جزئیات روابط، به‌ویژه مراودات دیپلماتیک را به دلیل محدودیت اسناد ندارد. در پیشینه روابط دو کشور، ظرفیت‌ها و اشتراکات فراوانی وجود دارد که می‌توان برای تقویت مراودات از آن بهره برد. ایرانیان نقشی مهم در گسترش اسلام در منطقه جنوب شرق آسیا ایفا نمودند و ادبیات مالایی از ادبا و عرفای فارسی‌زبان تأثیرات بسیار پذیرفته است. هر چند با ظهور قدرت‌های اروپایی در آسیا و شکل‌گیری سلسله صفویه، گسستی در پیوندها با دنیای مالایی رخ داد؛ اما این به معنای پایان مراودات نبود و هم‌چنان اندیشه‌های ایرانی تغذیه‌کننده فکری برخی از بزرگان آن منطقه بودند.

شکل‌گیری فدراسیون مالایا و متعاقب آن، مالزی به معنای ورود روابط به دوره مدرن دولت-ملت در قالب واحدهای سیاسی بود. با شناسایی مالزی، در فاصله کوتاهی مراودات سیاسی رشد بسیار خوبی پیدا کرد، به‌گونه‌ای که مقامات ارشد دو کشور بارها از پایتخت‌های یکدیگر بازدید نمودند که این به معنای اهمیت هر یک از آن کشورها در سیاست خارجی طرف مقابل بود. وساطت ایران در بحران روابط مالزی و پاکستان، تلاش دو کشور برای تشریک مساعی در موضوعات مهم منطقه‌ای و اسلامی، روند رو به رشد مراودات تجاری و فرهنگی و همکاری دو کشور در عرصه‌های مختلف بین‌المللی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در

مناسبات تاریخی است. در زمینه تجاری نیز ظرفیت‌های همکاری مناسبی بین دو کشور وجود داشت، اما پیش از انقلاب اسلامی به منصفه ظهور نرسید. با این حال، اقدامات، برنامه‌ها و سفرهای تجاری نشان می‌داد که نقشه راه در حال شکل‌گیری است و دو کشور در صد ساماندهی مراودات اقتصادی بودند.

## منابع و مأخذ

### اسناد:

- اداره حفظ و نگهداری اسناد وزارت امور خارجه، ۱۴-۴۱-۱-۱۳۳۵.۵۰ ش.
- ، ۱۰۳-۴۱-۱-۱۳۳۵.۵۰ ش.
- ، ۱۲۱-۴۱-۱-۱۳۳۵.۵۰ ش.
- ، ۹۶-۴۱-۶۶-۱۳۳۵.۵۰ ش.
- ، ۱۳۳۵.۵۰-۷۷-۴۱-۱ ش.
- ، ۱۳۴۲-۳۳-۳-۹ ش.
- ، ۱۳۴۲-۳۳-۳-۵ ش.
- ، ۱۳۴۲-۳۳-۳-۱۱ ش.
- ، ۵۳-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ ش.
- ، ۲۰-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ ش.
- ، ۴۲-۶۱-۴۲-۴۳-۱۳۴۲ ش.
- ، ۱۳۴۲-۳۳-۳۴-۷۶ ش.
- ، ۱۳۴۲-۳۳-۳۴-۱۰ ش.
- ، ۴۶-۳۴۴-۴-۱۵-۱۹۳ ش.
- ، ۱۳۴۶-۳۲-۲-۴-۸۵ ش.
- ، ۱۳۴۸-۴۹-۹-۴۱-۲ ش.
- ، ۱۳۴۹-۵۰-۱۳-۶۷-۵ ش.
- ، ۱۳۴۹-۱۰-۴۷-۶ ش.
- ، ۵۳-۸۸-۱۵-۱۳۵۱.۵۲ ش.
- ، ۱۳۵۱.۵۳-۱۷-۱۰۲-۱۳۷ ش.
- ، ۱۳۵۱.۵۵-۶-۴۰-۲۳ ش.
- ، ۱۷-۹-۲۰-۲۸-۱۳۵۶.۵۸ ش.
- ، ۱۳۵۹.۶۱-۷-۲-۴۱ ش.
- ، ۱۳۵۹.۶۱-۷-۲-۴۱ ش.

- ، ۱۳۵۹-۶۱-۲-۴۱۰-۷-۴۱۰-۳۵ ش.  
 -----، ۱۳۵۹-۶۱-۲-۴۱۰-۷-۳۵ ش.  
 -----، ۱۳۶۱-۱-۱۲۰-۷-۵ ش.  
 -----، ۱۳۴۹-۱۳-۶۱-۱۴ ش.

### کتاب‌ها:

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، ۱۳۷۰، سفرنامه، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: آگاه.  
 اطلاعات، روزنامه، سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۳۶ ش.  
 جنیدی، محمد، ۱۳۷۱ق، «الاستعمار بریطانی فی الملايو»، *الرساله*، العدد ۹۸۸، صص ۶۳۳-۶۳۴.  
 خوش‌هیكل آزاد، محمد، ۱۳۸۲، «سابقه تاریخی ایرانیان با منطقه جنوب شرق آسیا»، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۱۷، صص ۴۵-۲۵.  
 دان، راسئی، ۱۳۸۲، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: طرح نو.  
 روابط دولت شاهنشاهی ایران با دول حوزه مسئولیت اداره هفتم سیاسی، ۱۳۵۵، تهران: اداره انتشار مدارک وزارت امور خارجه.  
 ربانی، محمدعلی، ۱۳۹۷، «عرفان، پل مشترک فرهنگی ایران و آسیای جنوب شرقی»، *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، سال ۴، ش ۶، صص ۳۸-۲۳.  
 ساکت، محمدحسین، ۱۳۴۸، «کنفرانس اسلامی در کوالالمپور»، *نشریه وحید*، ش ۶۸، صص ۷۱۵-۷۰۷.  
 سلجوق، عفان، ۱۳۵۴، «نفوذ ادبیات فارسی در مالزی»، *مجله هنر و مردم*، ش ۱۵۵، صص ۲۰-۱۷.  
 شریبه، محمد، ۱۳۳۷ق، «الملايو والاسلام»، *الزهر*، العدد ۷، صص ۶۱۷-۶۱۰.  
 ظفرآقبال، محمد، ۱۳۸۴، «تأثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی بر جنوب شرق آسیا»، *چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی*، شماره ۲۱، صص ۲۰-۱۸.  
 عبدالرئوف، محمد، ۱۳۸۵ق، «الاسلام فی الملايو»، *الوعی الاسلامی*، العدد ۱، ص ۸۴.  
 علم، اسدالله، ۱۳۹۰، *یادداشت‌های علم، ویرایش: علی نقی عالیخانی*، تهران: کتابسرا.  
 گاهنامه ۵۰ سال شاهنشاهی پهلوی، ۲۵۳۶، ج ۲، تهران: نشر کتابخانه پهلوی.  
 گزارش سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۵۶-۱۳۴۶، *مجله روابط خارجی*، اداره انتشارات و مدارک وزارت امور خارجه.  
 مارچینکوفسکی، محمداسماعیل، ۱۳۸۴، «ارتباط ایرانیان با سیامی‌ها»، ترجمه: علی‌اصغر جنت‌پور، *تاریخ روابط خارجی*، ش ۲۲، صص ۳۲-۹.  
 محلوجی، علی‌اکبر، ۱۳۴۶، «گفتگو با رئیس هیئت بازاریاب اعزامی به کشورهای جنوب شرقی آسیا»، *نامه‌اتاق بازرگانی*، ش ۱۵۶، صص ۳۱۸-۳۱۰.  
 نیرنوری، حمید، ۱۳۴۵، *نقش ایران در تمدن جهان*، تهران: شرکت ملی نفت.  
 هاشمی‌نیک، عبدالعظیم، ۱۳۶۹، «سوابق آشنایی مسلمانان با سرزمین و مردم ملايو»، *سیاست خارجی*، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۱۷۴-۱۴۷.

یحیایی، داود، ۱۳۸۷، «بازرگانی دریایی سیراف در سده‌های نخستین اسلامی»، نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ش ۷، صص ۱۱۲-۸۹.

### لاتین:

- Brown, Colin, 2003, *A Short History of Indonesia*, Australia: Allen & Unwin.
- Cribb, Robert. Malaysia History: January 1999, "www. researchgate.net/ publication /43483103".
- Daneshgar, Majid, 2014, "The Study of Persian Shi'ism in the Malay- Indonesian World", *Journal of Shi'a Islamic Studies*, Volume 7, Number 2, pp 191-230.
- Faisal Muhammad, Ahmad, 2008, *The Struggle for Recognition in Foreign Policy, Malaysia under Mahathir 1981-2003*, A Thesis Submitted for the degree of Doctor of Philosophy in International Relations: London School of Economics and Political Science.
- Godinho, Vittorio Magalhães, 2013, "Portugal and Asia in 16th Century": East&West-China- Portugal Five Hundred Years- Institute of Advanced Studies. pp 75-123.
- Guillot, Claude, 2020, "Persian and the Malaya World, Commercial and Intellectual Exchanges", *Studia Islamika*, Vol. 27, no. 3, pp 405-443.
- Idris, Asmady & Remali Yusoff, 2015, "Malaysia's Contemporary Political and Economic Relations with Iran", *International Relations and Diplomacy*, Vol. 3, No. 2, pp 123-133.
- Mat Yazid, Mohd. Noor, 2013, "Malaysia-Indonesia Relations before and after 1965: Impact on Bilateral and Regional Stability", *Journal of Politics and Law*, vol.6. No. 4, pp 2-19.
- Nair, Shanti, 1997, *Islam in Malaysian Foreign Policy*, London: Routledge.
- Rodrigues, Francisco, 1944, *The Suma Oriental of Tome Pires*, New Delhi: Asian Educational Services.
- Soltaninejad, Mohammad, 2017, "Iran and Southeast Asian Countries Relations (2002 – 2013)", *Foreign Relation*, Volume 7, Number 3 (27).
- Wahyu Wicaksana, Gede, "Islam and Sukarno's Foreign Policy", with reference to Indonesia -Pakistan Relations 1960-1965, 2013, *International Journal of Indonesian Studies*, Vol 1.